

بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هویت اجتماعی دانش‌آموزان متوسطه شهرستان آمل (درسال تحصیلی ۸۸-۸۷)

دکتر علی اصغر عباسی اسفجیر^۱

چکیده:

این تحقیق با هدف بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هویت اجتماعی دانش‌آموزان متوسطه شهرستان آمل از سه بعد دینی، خانوادگی و ملی شکل گرفته است. پژوهش حاضر با شیوه پیمایشی و از تکنیک پرسشنامه صورت گرفته است و از جمعیت آماری ۱۱۶۵۲ نفر (۳۷۲ نفر پسر و دختر) نمونه‌گیری شده است. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد. متغیرهای رضایت از خود و مورد تأیید دیگران بودن، درونی‌کردن ارزش‌ها، توانایی عقلانی‌کردن امور و میزان اعتماد به نفس بر ابعاد مختلف هویت تأثیر دارد. در پایان هر یک از متغیرهای مستقل در غالب نظریات اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت.

کلیدواژه: عقلانی‌کردن امور، هویت اجتماعی، هویت دینی، هویت خانوادگی و هویت ملی.

۱. استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل Asfair@Hatmail.com

مقدمه

فرآیند تغییر و تحول همیشه زندگی بشر را تحت تأثیر قرار داده‌است. در گذشته این روند به دلیل سرعت کم، تأثیرات کمتری نیز در پی داشت ولی امروزه این فرآیند سرعت گرفته است. گسترش وسایل ارتباط جمعی سبب انتقال فرهنگ در سطح وسیع شده و در جهت حذف مرزهای نظام فرهنگی عمل می‌کند. که پیامدهای مثبت و منفی نیز در پی خواهد داشت. این تغییرات و دگرگونی‌های عظیم هرچیز را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد و خصوصاً به قلمرو فعالیت‌های فردی و شکل‌گیری خود (Self) راه می‌یابد و به دنبال آن مسائل مربوط به هویت (Identity) افراد مطرح می‌شود. از بدو آغاز جهان هستی، انسان و جایگاه وی، ذهن بشر را به خود مشغول داشته و موضوع خوبی برای ادبیات و تحقیق بوده است، اما توجه به این موضوع در قرن حاضر بیشتر شده است. در جامعه‌ی امروزی، انسان از جهات مختلف و از ابعاد گوناگون مورد مطالعه قرار گرفته‌است و از آنجایی که هویت نیز بخش مهمی از وجود هر انسان است و زندگی شخصی و اجتماعی هر شخص تحت تأثیر هویت وی قرار می‌گیرد، لذا بررسی هویت انسان‌ها موضوع بسیار مهمی برای مطالعه و بررسی است.

در این میان نوجوانان به دلیل خصوصیات خاص سنی خود بیشتر تحت تأثیر واقع می‌شوند. وجود شرایطی که بتواند نوجوان را یاری کند تا تصویر صحیحی از خود داشته و با واقع‌بینی و عینیت بیشتر به خود بنگرد، یعنی بداند که کیست و به دنبال چه می‌باشد، از یک سو سبب اطمینان خاطر و سلامت فکر او می‌گردد و از سوی دیگر او را قدرت تطبیق می‌بخشد. بنابراین مطالعه و بررسی درباره هویت، به‌ویژه هویت نوجوانان و تحقیق حدود و مرز آن برای حل مسائل و مشکلات جوامع کنونی، راهگشاست.

در همین راستا، این تحقیق به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر شکل‌گیری هویت اجتماعی دانش‌آموزان می‌پردازد.

مروری بر مطالعات پیشین

پورجبلی در تحقیقی تحت عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هویت اجتماعی و فرهنگی نوجوانان ارومیه» در سال ۱۳۷۹ با استفاده از روش پیمایش و با انتخاب یک نمونه

۳۸۳ نفری از نوجوانان شهر ارومیه در گروه سنی ۱۸-۱۲ ساله قرار داشتند، با رویکرد تئوری پیتربورک به بررسی چهار عامل خانواده، مدرسه، گروه دوستان و رسانه‌های تصویری به بررسی هویت اجتماعی و فرهنگی نوجوانان پرداخت. وی در تحقیقی خود به این نتیجه رسید که بین عامل خانواده، مدرسه، دوستان و رسانه‌های تصویری، با شکل‌گیری هویت اجتماعی و فرهنگی نوجوانان رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

عبدالرسول کریمی در سال ۱۳۷۵ در تحقیقی با عنوان «بررسی رابطه بین عزت نفس و هویت‌یابی در نوجوانان ۱۸-۱۵ ساله در شهر تهران» با استفاده از روش پیمایش، از بین کلیه دانش‌آموزان مقطع متوسطه شهر تهران که در سال تحصیلی ۷۵-۷۴ به تحصیل اشتغال داشتند، از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای ۲۰۰ نفر از دانش‌آموزان دختر و پسر از نواحی ۱، ۷، ۴، ۲ را به طور تصادفی انتخاب نمود. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که؛ میان توزیع آزمون‌های دختر و پسر از نظر توجه و عمل به ارزش‌های اخلاقی تفاوت وجود نداشت. دانش‌آموزان دختر و پسر با عزت نفس بالا و پایین از نظر هویت مذهبی تفاوت نداشتند. و بین توزیع آزمون‌های دختر و پسر از نظر ایجاد ارتباط با همسالان و طرز دید نسبت به خود و عزت نفس آنها تفاوت وجود داشت.

طاهره کیزقان در پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد خود تحت عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی زنان» به بررسی عوامل مؤثر بر شکل‌گیری هویت اجتماعی زنان برجستگی هویت‌های مختلف اجتماعی، نظیر هویت‌های دینی، قومی، ملی، گروهی و جنسی می‌پردازد. این تحقیق به صورت موردی و در شهر شیراز انجام شده است. (کیزقان، ۱۳۸۱)

«ریچارد جنکینز» در اثر خود تحت عنوان «هویت اجتماعی» به تشریح هویت اجتماعی، رابطه‌ی آن با گروه و باشعور عامه، تئوری‌های هویت اجتماعی و مقوله‌بندی‌های اجتماعی و مدرنیته، عقلانیت و هویت پرداخته است. جنکینز در اثر خود، هویت را یک فرآیند در حال ایجاد شدن تعریف کرده است. از نظر وی، هویت اجتماعی بسیار مهم است و بدون داشتن هویت اجتماعی، هیچ اجتماعی معنی ندارد، در ضمن این‌که برای ترسیم هویت، چارچوب‌هایی لازم است تا بتوانیم با دیگران ارتباط معناداری برقرار کنیم. از نظر جنکینز هویت فردی در فردیت تجسم می‌یابد. وی تحقیق خود را به صورت پدیدار شناسانه و با استفاده از تکنیک‌های مصاحبه

عمیق و مصاحبه‌ی مشارکتی انجام داده است. (Jenkins, 1995,3-99)

فیلیپ میلمان^۱ در سال ۱۹۷۹ روی پسران، قبل از رفتن به دانشگاه در سن ۱۸-۱۲ و مردان جوان در سن ۲۴-۲۱ ساله نشان داد که اغلب نوجوانان ۱۵-۱۲ ساله یا هویت‌شان شکل گرفته و گسترش یافته و یا خاتمه یافته بود. در این سن بسیاری از نوجوانان تمایلی نداشتند که فکر کنند چه کسی هستند؟ یا ایده‌ای نداشته و یا می‌دانستند که هر ایده‌ای که دارند احتمالاً تغییر می‌کند. نوجوانان ممکن است چیزی را که دوست دارند بگویند مثلاً من می‌خواهم مانند پدرم یک پزشک بشوم. به هر حال روشن است که آنها هرگز رفتاری از خودشان نداشته‌اند، بلکه هویتی را که دارند توسط والدین یا مردم برای آنها حدس زده شده است و دچار حالت‌های پیش‌ساخته که شامل یک تعهد بودن است، شده‌اند. پیشرفت بر طرف هویت از ۱۸ سالگی شروع می‌شود. این قانونی شدن در افراد یک بحران آزمایش جاری یا فعالیت جستجوی هویت است و احتمالاً داخل شدن در حالت‌های قانونی یک نشانه خود برای فرد است. اگر فرد بتواند پاسخ به سؤالات برانگیخته را پیدا کند، به حالت‌های وصول هویت حرکت می‌کند. در مطالعه میلمان تنها ۲٪ افراد ۱۸ ساله و ۴۰٪ دانشجویان و فقط بیش از نیمی از افراد ۲۴ ساله به حالت‌های وصول هویت رسیده‌اند.

مبانی و چارچوب نظری:

در این تحقیق دو فرضیه (توانایی عقلانی کردن و میزان اعتماد به نفس) با برداشت محقق از نظریه‌ی آنتونی‌گیدنز و تطبیق آن با جامعه‌ی مورد مطالعه شکل گرفته است. بنابراین در ابتدا بهتر است که تعریف هویت را از نظر آنتونی‌گیدنز مطرح کنیم و سپس به شرح نظریه‌ی وی بپردازیم. به عقیده‌ی گیدنز، «هویت» عبارت است از: «خود» آن‌طوری که شخص از خودش درک و تعریف می‌کند. به عقیده‌ی گیدنز، دوران تجدد اخیر تجدد کنونی - نوعی نظم ما بعد سنتی است که ویژگی عمده‌ی آن قدرت بازتابندگی^۲ گسترده‌ی نهادهای نوین اجتماعی است. در دوران کنونی، گرایش محسوس نهادهای جدید به جهان شدن، همراه با تغییر شکل

1. Milman fillip

2. Institutional reflexivity

زندگی اجتماعی روزمره، پیامدهای ژرفی برای فعالیت‌های شخص در بر داشته‌است. به اعتقاد او تجدد اصل شک بنیادین را نهادینه می‌کند و هرگونه دانش در حقیقت فرضیه است. به نظر او «هویت» افراد عملاً براساس روایت خاص از «خود» باطن آنها ساخته و پرداخته می‌شود که برحسب بازتاب‌های متغیر نهادهای اجتماعی مدرن مورد تجدیدنظرهای مداوم قرار می‌گیرد. او معتقد است که در دنیای کنونی ما، خود را باید به طرز بازتاب ساخت و پرداخت نمائیم که البته این وظیفه را باید در میان تنوع حیرت‌آوری از گزینه‌ها و امکانات انجام داد.

بنابراین با وجود عدم قطعیت و انتخاب متعدد، مفاهیمی چون اعتماد و خطر کردن، جایگاهی خاص پیدا می‌کنند. به اعتقاد گیدنز، اعتماد نوعی پدیده‌ی عام و حیاتی در توسعه‌ی شخصیت است، در جلوه‌های عمومی خود، به طور مستقیم مرتبط با دستیابی به نوعی احساس امنیت وجودی است. همچنین «اعتماد، ضرورتی اساس برای پله‌ی محافظ» که «خود» در رویارویی با واقعیت‌های روزانه بدان احتیاج دارد.» (همان، ۱۸)

اعتماد به صورت‌های گوناگون و درسطوح مختلف، شالوده‌های بسیاری از تصمیم‌گیری‌های روزمره‌ی ما را تشکیل می‌دهند. «اعتماد به موجودیت لنگرگاه گونه‌ی واقعیت، در معنای عاطفی و تا حدی در معنای معرفتی آن، ریشه در شوق و اطمینان به اشخاص صالح و معتبر دارد که معمولاً از نخستین تجربیات کودک حاصل می‌گردد. چیزی را که در یک اریکسون به الهام از د. و. وینکیات، آن را «اعتماد بنیادین»^۱ می‌نامد، تشکیل‌دهنده‌ی رابطه‌ی است که جهت‌گیری عاطفی - شناختی به سوی دیگران، به سوی دنیای عینی، و به سوی هویت شخص از آن سرچشمه می‌گیرد.» (همان، ۶۳)

به عقیده‌ی گیدنز «انعکاس‌پذیری تجدد عبارت است از آن چیزی که بوسیله‌ی آن، اطلاعات و دانش‌های تازه به طورجاری در محیط کار و فعالیت‌های روزمره جذب می‌شوند و در آنجا مورد بازنگری یا تجدید سازمان قرار می‌گیرند.» (گیدنز، ۱۳۸۲، ۳۲۳)

«اعتماد به دنیایی عینی و ملموس و هم چنین اعتماد به همیشگی بودن دیگران که از تجربیات نخستین مراحل کودکی سرچشمه می‌گیرد.» (همان، ۳۲۳)

بنابراین به اعتقاد گیدنز «استقرار اعتماد بنیادین، شرط اساسی تدارک هویت شخص است درست به همان اندازه که شرط اساسی تدارک هویت دیگر اشخاص و اشیاء هم هست.» (همان، ۶۸)

گیدنز همچنین اصطلاح دیگری را تحت «نظام امنیت هستی‌شناسی» مطرح می‌کند، به این معنی که: نیروی اساسی اغلب کنش‌ها (در جامعه‌ی جدید) مجموعه‌ای ناآگاهانه برای کسب احساس اعتماد در کنش متقابل با دیگران است.

به نظر وی، یکی از نیروهای پراکنده و موتور حرکتی کنش، نیاز به رسیدن به امنیت هستی‌شناختی (یا حس اعتماد) است. چون انسان‌ها میل دارند در روابط اجتماعی از میزان اضطراب خود بکاهند، این فرآیند ناآگاهانه قبل از مکانیزم زبان‌آموزی و آگاهی قطعی بوجود می‌آید و منشأ کنش است و به همین دلیل سیال و پویاست» (Turner, 1998, 496)

به نظر گیدنز این نظام امنیت هستی‌شناختی باید در زمان استمرار پیدا کند و عوامل استمرار آن از طریق:

الف) عادی شدن تماس با دیگران

ب) تفسیر موفقیت‌آمیز از کنش‌ها برحسب ذخیره معرفتی افراد آگاهی ذهن و اطلاعاتی که افراد در ذهن خودشان دارند.

ج) توانایی عقلانی کردن امور با (کمک آگاهی نطقی و آگاهی عمل)^۱ به این معنی که فرد اعمال خود را در نزد دیگران موجه جلوه دهد.» (Turner, 1998, 496-7)

گیدنز معتقد است که «در دنیای متجدد کنونی، همه ما نه فقط از شیوه‌های زندگی معین پیروی می‌کنیم بلکه به تعبیه‌ی دیگر که اهمیت زیادی هم دارد، ناچار به این پیروی هستیم در حقیقت، ما انتخاب دیگری جز گزینش نداریم. شیوه‌ی زندگی را می‌توان به مجموعه‌ای کم و بیش جامع از عملکردها تعبیه کرد که فرد آنها را به کار می‌گیرد، چون نه فقط نیازهای جاری او را برمی‌آورند بلکه روایت خاصی را هم که وی برای هویت خود برگزیده است در برابر دیگران منسجم می‌سازند.» (همان، ۱۲۰)

۱. آگاهی نطقی: توان ارائه دلیل برای عقلانی کردن امور انجام شده خود. آگاهی عمل: ذخیره معرفتی (اطلاعات) برای تفسیر دائمی رویدادها.

بنابراین به دلیل «بازبودن» زندگی اجتماعی امروزی، همچنین به علت تکثربابی زمینه‌های عمل و تنوع «مراجع» انتخاب شیوه زندگی^۱ بیش از پیش در ساخت هویت و فعالیت روزمره اهمیت می‌یابد و برنامه‌ریزی زندگی^۲ براساس بازتاب‌های محلی و جهانی (که به طور عادی مستلزم پذیرفتن خطرهای احتمالی ناشی از دانش کارشناسانه است) رفته رفته به صورت طرح مرکزی ساختار هویت درمی‌آید. (همان، ۲۱)

در چارچوب جوامع جدید، «خود» دگرگون یافته را باید از طریق کاوش‌های شخص و اجتماعی بسازیم و استوار نگاه داریم. او معتقد است هویت، برخلاف «خود» به عنوان پدیده‌ای عام، مستلزم آگاهی بازتابی است. «هویت، در واقع همان چیزی است که فرد، چنان‌که در اصطلاح «خودآگاهی» آمده است، بر «آن» آگاهی دارد. به عبارت دیگر، هویت شخص چیزی نیست که در تداوم کنش‌های اجتماعی فرد به او تفویض شده باشد، بلکه چیزی است که فرد باید آن را به‌طور مداوم و روزمره ایجاد کند و در فعالیت‌های بازتابی خویش مورد حفاظت و پشتیبانی قرار دهد.» (همان، ۸۱)

به نظر او «شخص که ثبات عقولانه‌ای در «هویت» خویش احساس می‌کند، از زندگینامه‌ای پیوسته و بدون بریدگی برخوردار است و به‌همین دلیل می‌تواند به‌طور بازتابی با آدم‌های دیگر درآمیزد و کم‌وبیش با آنها ارتباط برقرار کند، چنین شخصی، از خلال نخستین روابط اعتمادآمیز خود نوعی پیلای محافظ برای خود دست و پا کرده است که در جریان امور روزمره، بسیاری از خطرهایی را که جامعیت «خود» او را تهدید می‌کنند از صافی می‌گذراند.» (همان، ۸۴)

همچنین «آرامش و اعتماد به نفس هر فرد در موقعیت‌های خاص، گویای تجربیات درازمدت او در رویارویی با تهدیدهای فرصت‌های متعددی از آن موقعیت‌ها است.» (همان، ۸۷) به اعتقاد گیدنز «برای آن که یاد بگیریم یک عامل صلاحیت‌دار باشیم یا، به عبارت دیگر، برای آن که بتوانیم به‌طور مساوی با دیگران در تولید و بازتولید روابط اجتماعی شریک شویم -

1. Life style

«مجموعه‌ای نسبتاً منسجم از همه‌رفتارها و فعالیت‌های که یک فرد معین در جریان زندگی روزمره» (همان: ۳۲۵).

2. Life- planning

«برنامه‌ریزی استراتژیکی شیوه زندگی معینی که متناسب با طول عمر تخمین شخص، سازمان یافته باشد و به طور معمول بر مفهوم خطر کردن (ریسک) متمرکز گردد.» (گیدنز، ۱۳۸۱، ۳۲۱)

باید قادر باشیم نظارت مداوم و موفقیت‌آمیز بر چهره و بدن خویش اعمال کنیم. گذشته از این، یک عامل با صلاحیت بودن تمایز به معنای آن نیست که چنین کنترل مداومی را بدون وقفه اعمال کنیم، بلکه دیگران هم باید شاهد باشند که ما چنین کنترلی را انجام می‌دهیم.» (همان، ۸۶-۸۷)

بنابراین «کنترل منظم بدن یکی از ابزارهای اساسی است که شخص به وسیله‌ی آن روایت معینی از هویت را محفوظ می‌دارد، و در عین حال «خود» نیز به طرزی کم و بیش ثابت از ویرای همین روایت «در معرض تماشا»ی دیگران قرار می‌گیرد.» (همان، ۸۶-۸۹)

واقعیت این است که در دنیای متجدد کنونی خود جسم مادی نیز به طرزی بازتابی بسیج می‌شود. در اینجا ارتباط کاملی بین توسعه جسمانی و شیوه‌ی زندگی به چشم می‌خورد که، به-عنوان مثال، در رژیم گرفتن‌های مرسوم به خوبی تشخیص داده می‌شود.» (همان، ۲۳)

«رژیم‌ها» (غذا و پوشاک) با روش‌های متعارف انجام امور جاری فرق دارند. همه امور اجتماعی روزمره، کنترل پیوسته بدن را به دنبال دارند، اما رژیم‌های اعمالی اکتسابی هستند. که در اثر کنترل شدید نیازهای آلی ضرورت می‌یابند.» (همان، ۹۴)

همچنین به اعتقاد گیدنز «کردار هم به شدت تحت تأثیر کثرت‌یابی محیط‌های گوناگون اجتماعی قرار گرفته‌است.» «حفظ عناصر ثابت کردار شخص در محیط‌ها و مجامع گوناگون و همچنین در کنش‌های متقابل اجتماعی یکی از مهمترین وسیله‌هایی است که به‌طور معمول انسجام و یکپارچگی هویت را تأمین می‌کند.» (همان، ۱۴۵)

به اعتقاد گیدنز «هویت امروزین نوعی دستاورد بازتابی است، روایتی که برای هویت خویش در نظر می‌گیریم، الزاماً باید در ارتباط با تغییرات سریع زندگی اجتماعی (به مقیاس محلی و جهانی) شکل بگیرد، دگرگون شود و به‌طور بازتابی استحکام یابد. فرد باید اطلاعات حاصل از انواع تجربیات با واسطه را چنان با مسائل محلی در هم بیامیزد که در نهایت بتواند طرح‌های آینده را به طرزی منسجم و معقول با تجربیات گذشته مرتبط سازد. این مقصود فقط هنگامی به تحقق خواهد پیوست که شخص قادر باشد به نوعی اصالت درونی دست یابد منظور

1.Regimes

«شیوه‌های رفتاری منظم و مرتب برای حفظ یا پرورش بعضی ویژگی‌های بدن.» (همان، ۳۲۵)

چارچوبی از اعتماد بنیادین است که به‌وسیله‌ی آن بتوان دوره‌ی عمر را به‌عنوان نوعی وحدت، در برابر رویدادهای اجتماعی پراکنده ساز، در نظر گرفت.» (همان، ۳۰۱)

با توجه به بیان و شرح نظریه‌ی گیدنز، مدل نظری استنتاج شده از نظریه‌ی گیدنز شرح داده می‌شود. پس از آن محقق با در نظر داشتن نظریه‌ی گیدنز، مدل تحلیلی خود را که قسمتی از چارچوب نظری تحقیق را تشکیل می‌دهد، شرح می‌دهد.

با توجه به مدل نظری استنتاج شده از نظریه‌ی گیدنز درمی‌یابیم که به اعتقاد گیدنز، افراد دارای یک هسته‌ی اولیه «خود» می‌باشند که از سه عامل اعتماد بنیادین، ویژگی‌های فردی و جامعه‌پذیری تشکیل شده‌است قسمت اعتماد بنیادین «خود» از طریق عادی شدن تماس‌ها، توانایی عقلانی کردن امور و تفسیر موفقیت‌آمیز فرد از کنش خود بر تعداد کنش‌های موفق فرد و انگیزه برای کنش بعدی و در نتیجه بر هویت اجتماعی فرد تأثیرگذار است. از طرف دیگر، «ویژگی‌های فردی» که شامل ویژگی ظاهری، ویژگی روانی و میزان اعتماد به نفس است، از طریق تفسیر موفقیت‌آمیز فرد از کنش «خود» و تفسیر موفقیت‌آمیز دیگران از کنش فرد و توانایی ایفای نقش‌های گوناگون باعث ایجاد خودهای متعدد و انگیزه برای کنش بعدی می‌شود که نهایتاً بر هویت فرد تأثیر می‌گذارد. به نظر وی، این سه عامل به صورت هم ارز بر میزان انگیزه برای کنش بعدی فرد مؤثر بوده و در نتیجه، هویت اجتماعی از ابعاد ملی، دینی و خانوادگی مورد توجه‌است و نظریات متفاوتی نسبت به آن مطرح شده‌است. به منظور تبیین جامع آن نیاز به یک نظریه ترکیبی است. لذا در خصوص جامعه‌پذیری به‌طور عام از دیدگاه کنش متقابل نمادی و جامعه‌پذیری فرهنگی از دیدگاه پارسونز و میزان اعتماد به نفس و توانایی عقلانی کردن امور، فرآیند شکل‌گیری هویت از دیدگاه نظریه گیدنز استفاده می‌شود. فرآیند جامعه‌پذیری در برگیرنده‌ی تأثیرات متفاوتی است که در طول زندگی بر فرد وارد می‌آید. در جریان تعامل اجتماعی است که فرد جامعه‌پذیر می‌شود. به عبارتی با ارزش‌ها و هنجارهای گروه و جامعه خود آشنا می‌شود با توجه به دیدگاه تعامل‌گرایان فرآیند جامعه‌پذیری از طریق عاملانی چون خانواده و دوستان، مدرسه و رسانه‌های ارتباط جمعی و.. شکل می‌گیرد. نظریات پیروان مکتب کنش متقابل نمادی همچون خود آینه‌سان کولی، مراحل بازی مید و نقش‌پذیری او بازگوکننده نقش جامعه‌پذیری در فرآیند تعامل بین کنشگران اجتماعی می‌باشد، با نگاهی

خاص و ویژه به جامعه‌پذیری می‌توان به جامعه‌پذیری فرهنگی پارسونز اشاره نمود. وی در مدل خود فرهنگ را در رأس قرار می‌دهد و برآنست که فرهنگ به صورت ارزش‌ها و هنجارها تجسم یابد و در نظام شخصیت ملکه ذهن شود بنابراین می‌توان این قضیه اساسی را استنباط نمود که هرچه جامعه‌پذیری فرهنگی بیشتر شکل گرفته باشد هویت فرهنگی نیز بیشتر و قوی‌تر شکل خواهد گرفت.

روش تحقیق

برای انجام این تحقیق از روش اسنادی و پیمایشی استفاده خواهد شد.

روش اسنادی (کتابخانه‌ای):

این روش معمولاً در اکثر تحقیقات به کار گرفته می‌شود؛ استفاده از این روش زمانی صورت می‌گیرد که یا تحقیق تاریخی در دست انجام باشد و یا آن‌که تحقیق مرتبط با پدیده‌های موجود بوده ولی محقق درصدد شناسایی تحقیقات قبلی در مورد آن موضوع برآمده باشد. یا آن‌که پژوهش نیاز به استفاده از اسناد و مدارک را ایجاب نماید.» (ساروخانی، ۱۳۷۸، ۲۵۶)

در این تحقیق برای جمع‌آوری اطلاعات مباحث نظری از روش فوق استفاده خواهد شد.

روش پیمایشی (زمینه‌یابی):

این روش هنگامی به کار می‌رود که محقق بخواهد با نظرخواهی از یک گروه نمونه انتخاب‌شده، نظر یک جامعه آماری بزرگ را درباره موضوع‌های مختلف بداند. «تحقیق پیمایشی یکی از روش‌های گردآوری، تنظیم و تحلیل داده‌هاست. یکی از وظایف تحلیل پیمایشی، توصیف خصوصیات مجموعه‌ای از موردهاست. همچنین تحقیق پیمایشی آن است که با مقایسه دقیق ویژگی‌های مختلف موردها بر استنباط عملی نائل آید.» (دواس، ۱۳۸۳، ۱۶-۱۳)

در این تحقیق با توجه بر ماهیت موضوع و گستره جامعه آماری که ضرورت استفاده از شیوه نمونه‌گیری را ایجاب می‌نماید، از روش پیمایشی استفاده خواهد شد.

یافته‌های توصیفی متغیر وابسته:

جدول شماره ۱: توزیع دانش‌آموزان برحسب انواع هویت‌ها

شخص ها	هویت دینی	هویت خانوادگی	هویت ملی	هویت اجتماعی
حجم نمونه معتبر	۳۵۰	۳۵۸	۳۵۸	۳۳۱
حجم نمونه گم شده	۲۲	۱۴	۱۴	۴۱
میانگین	۵۶/۸	۳۳/۰۱	۴۵/۵	۱۳۵/۱
میانه	۵۸	۳۳/۰	۴۷/۰	۱۳۸/۰
انحراف معیار	۱۲/۳	۵/۹	۷/۵	۱۹/۳
واریانس	۱۵۱/۴	۳۵/۴	۵۵/۹	۳۷۴/۲

جدول شماره یک نشان دهنده توزیع دانش‌آموزان بر حسب میزان انواع هویت‌ها می‌باشد. در زمینه هویت دینی، از ۳۷۲ نفر پاسخگو، ۳۵۰ نفر به پرسش‌های مربوط به این متغیر پاسخ داده و ۲۲ مورد نیز بی‌پاسخ بوده است. با توجه به جدول میانه برابر ۵۸، انحراف معیار ۱۲/۳، واریانس ۱۵۱/۴ و میزان میانگین برابر با ۵۶/۸ می‌باشد.

در زمینه هویت خانوادگی، از ۳۷۲ نفر پاسخگو، ۳۵۸ نفر به پرسش‌های مربوط به این متغیر پاسخ داده و ۱۴ مورد نیز بی‌پاسخ بوده است. با توجه به جدول میانه ۳۳، انحراف معیار ۵/۹، واریانس ۳۵/۴ و میزان میانگین برابر با ۳۳/۰ می‌باشد.

در زمینه هویت ملی، از ۳۷۲ نفر پاسخگو، ۳۵۸ نفر به سؤال‌های مربوط به این متغیر پاسخ داده و ۱۴ مورد نیز بی‌پاسخ بوده است. با توجه به جدول میانه ۴۷، انحراف معیار ۷/۵، واریانس ۵۵/۹ و میزان میانگین برابر با ۴۵/۵ می‌باشد.

در زمینه هویت اجتماعی، از ۳۷۲ نفر پاسخگو، ۳۳۱ نفر به سؤال‌های مربوط به متغیرهای مختلف، پاسخ داده و به‌طور کلی ۴۱ مورد نیز بی‌پاسخ بوده است. با توجه به جدول میانه ۱۳۸، انحراف معیار ۱۹/۳، واریانس ۳۷۴/۲ و میزان میانگین برابر با ۱۳۵/۱ می‌باشد.

جدول شماره ۲: ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته هویت

سطح معناداری	ضریب همبستگی پیرسون	متغیر وابسته	متغیر مستقل
۰/۰۰۰	۰/۴۱	هویت اجتماعی	رضایت از خود
۰/۰۰۰	۰/۲۲	هویت دینی	
۰/۰۰۰	۰/۴۵	هویت خانوادگی	
۰/۰۰۰	۰/۳۴	هویت ملی	
۰/۰۰۰	۰/۳۶	هویت اجتماعی	مورد تأیید دیگران بودن
۰/۰۰۴	۰/۱۵	هویت دینی	
۰/۰۰۰	۰/۴۴	هویت خانوادگی	
۰/۰۰۰	۰/۳۰	هویت ملی	
۰/۰۰۶	-۰/۱۵	هویت اجتماعی	درونی کردن ارزش‌ها
۰/۲۴	-۰/۰۶	هویت دینی	
۰/۱۳	-۰/۰۸	هویت خانوادگی	
۰/۰۰۱	-۰/۱۷	هویت ملی	
۰/۰۰۰	۰/۲۸	هویت اجتماعی	توانایی عقلانی کردن امور
۰/۰۰۰	۰/۲۶	هویت دینی	
۰/۰۰۰	۰/۲۷	هویت خانوادگی	
۰/۰۰۲	۰/۱۲	هویت ملی	
۰/۹۰	-۰/۰۰۷	هویت اجتماعی	میزان اعتماد به نفس
۰/۰۷	۰/۱۰	هویت دینی	
۰/۶۷	-۰/۰۲	هویت خانوادگی	
۰/۰۱	-۰/۱۴	هویت ملی	

یافته‌های استنباطی:

بین میزان رضایت فرد از خود با هویت اجتماعی دانش‌آموزان با توجه به سطح معناداری به دست‌آمده (۰/۰۰۰) و ضریب همبستگی ($r=0/14$) حداقل در سطح ۹۵٪ اطمینان همبستگی

مثبت و مستقیم وجود دارد. یعنی با افزایش میزان رضایت از خود هویت اجتماعی هم افزایش می‌یابد. لذا فرض H1 تأیید می‌شود.

بین میزان رضایت فرد از خود با هویت دینی دانش‌آموزان با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۰) و ضریب همبستگی ($r=0/22$) حداقل در سطح ۹۵ درصد اطمینان همبستگی مثبت و مستقیم وجود دارد. یعنی با افزایش میزان رضایت از خود هویت دینی هم افزایش می‌یابد. لذا فرض H1 تأیید می‌شود.

بین میزان رضایت فرد از خود با هویت خانوادگی دانش‌آموزان با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۰) و ضریب همبستگی ($r=0/45$) حداقل در سطح ۹۵٪ اطمینان همبستگی مثبت و مستقیم وجود دارد. یعنی با افزایش میزان رضایت از خود هویت خانوادگی هم افزایش می‌یابد. لذا فرض H1 تأیید می‌شود.

بین میزان رضایت فرد از خود با هویت ملی دانش‌آموزان با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۰) و ضریب همبستگی ($r=0/34$) حداقل در سطح ۹۵ درصد اطمینان همبستگی مثبت و مستقیم وجود دارد. یعنی با افزایش میزان رضایت از خود هویت ملی هم افزایش می‌یابد. لذا فرض H1 تأیید می‌شود.

بین تأیید دیگران با هویت اجتماعی دانش‌آموزان با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۰) و ضریب همبستگی ($r=0/36$) حداقل در سطح ۹۵٪ اطمینان همبستگی مثبت و مستقیم وجود دارد. یعنی با افزایش در میزان تأیید دیگران، هویت اجتماعی نیز افزایش می‌یابد و قوی‌تر خواهد شد. لذا فرض H1 تأیید می‌شود.

بین تأیید دیگران با هویت دینی دانش‌آموزان با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۴) و ضریب همبستگی ($r=0/15$) حداقل در سطح ۹۵ درصد اطمینان همبستگی مثبت و مستقیم وجود دارد. یعنی با افزایش در میزان تأیید دیگران، هویت دینی نیز افزایش می‌یابد و قوی‌تر خواهد شد. لذا فرض H1 تأیید می‌شود.

بین تأیید دیگران با هویت خانوادگی دانش‌آموزان با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۰) و ضریب همبستگی ($r=0/44$) حداقل در سطح ۹۵ درصد اطمینان همبستگی مثبت و مستقیم وجود دارد. یعنی با افزایش در میزان تأیید دیگران، هویت خانوادگی نیز افزایش

می‌یابد و قوی‌تر خواهد شد. لذا فرض H1 تأیید می‌شود.

بین تأیید دیگران با هویت ملی دانش‌آموزان با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۰) و ضریب همبستگی ($r=0/30$) حداقل در سطح ۹۵ درصد اطمینان همبستگی مثبت و مستقیم وجود دارد. یعنی با افزایش در میزان تأیید دیگران، هویت ملی نیز افزایش می‌یابد و قوی‌تر خواهد شد. لذا فرض H1 تأیید می‌شود.

بین درونی‌کردن ارزش‌ها با هویت اجتماعی دانش‌آموزان با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۶) و ضریب همبستگی ($r=-0/15$) حداقل در سطح ۹۵٪ اطمینان همبستگی معنی‌دار نبوده و منفی است. یعنی با افزایش در میزان درونی‌کردن ارزش‌ها، هویت اجتماعی ضعیف‌تر شده است. لذا فرض H1 رد می‌شود.

بین درونی‌کردن ارزش‌ها با هویت دینی دانش‌آموزان با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰/۲۴) و ضریب همبستگی ($r=-0/06$) حداقل در سطح ۹۵٪ اطمینان همبستگی معنی‌دار نبوده و منفی است. یعنی با افزایش، در میزان درونی‌کردن ارزش‌ها، هویت دینی ضعیف‌تر شده است. لذا فرض H1 رد می‌شود.

بین درونی‌کردن ارزش‌ها با هویت خانوادگی دانش‌آموزان با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰/۱۳) و ضریب همبستگی ($r=-0/08$) حداقل در سطح ۹۵٪ اطمینان همبستگی معنی‌دار نبوده و منفی است. یعنی با افزایش در میزان درونی‌کردن ارزش‌ها، هویت خانوادگی ضعیف‌تر شده است. لذا فرض H1 رد می‌شود.

بین درونی‌کردن ارزش‌ها با هویت ملی دانش‌آموزان با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۱) و ضریب همبستگی ($r=-0/17$) حداقل در سطح ۹۵٪ اطمینان همبستگی معنی‌دار نبوده و منفی است. یعنی با افزایش در میزان درونی‌کردن ارزش‌ها، هویت ملی ضعیف‌تر شده است. لذا فرض H1 رد می‌شود.

بین توانایی عقلانی کردن امور با هویت اجتماعی دانش‌آموزان با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۰) و ضریب همبستگی ($r=0/28$) حداقل در سطح ۹۵٪ اطمینان همبستگی مثبت و مستقیم وجود دارد. یعنی با افزایش در توانایی عقلانی کردن امور، هویت اجتماعی نیز افزایش می‌یابد و قوی‌تر خواهد شد. لذا فرض H1 تأیید می‌شود.

بین توانایی عقلانی کردن امور با هویت خانوادگی دانش‌آموزان با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۰) و ضریب همبستگی ($r= ۰/۲۷$) حداقل در سطح ۹۵٪ اطمینان همبستگی مستقیم و مثبت وجود دارد. یعنی با افزایش در توانایی عقلانی کردن امور، هویت خانوادگی نیز افزایش می‌یابد و قوی‌تر خواهد شد. لذا فرض H1 تأیید می‌شود.

بین توانایی عقلانی کردن امور با هویت دینی دانش‌آموزان با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۰۰) و ضریب همبستگی ($r=۰/۲۶$) حداقل در سطح ۹۵٪ اطمینان همبستگی مستقیم و مثبت وجود دارد. یعنی با افزایش در توانایی عقلانی کردن امور، هویت دینی نیز افزایش می‌یابد و قوی‌تر خواهد شد. لذا فرض H1 تأیید می‌شود.

بین توانایی عقلانی کردن امور با هویت ملی دانش‌آموزان با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۲) و ضریب همبستگی ($r= ۰/۱۲$) حداقل در سطح ۹۵٪ اطمینان همبستگی مستقیم و مثبت وجود دارد. یعنی با افزایش در توانایی عقلانی کردن امور، هویت ملی نیز افزایش می‌یابد و قوی‌تر خواهد شد. لذا فرض H1 تأیید می‌شود.

بین میزان اعتماد به نفس با هویت اجتماعی دانش‌آموزان با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰/۹۰) و ضریب همبستگی ($r=۰/۰۰۷$) حداقل در سطح ۹۵٪ اطمینان همبستگی معنی‌دار نبوده و منفی است. یعنی با افزایش در میزان اعتماد به نفس، هویت اجتماعی دانش‌آموزان ضعیف‌تر شده است. لذا فرض H1 رد می‌شود.

بین میزان اعتماد به نفس با هویت خانوادگی دانش‌آموزان با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰/۶۷) و ضریب همبستگی ($r=-۰/۰۲$) حداقل در سطح ۹۵٪ اطمینان همبستگی معنی‌دار نبوده و منفی است. یعنی با افزایش در میزان اعتماد به نفس، هویت خانوادگی دانش‌آموزان ضعیف‌تر شده است. لذا فرض H1 رد می‌شود.

بین میزان اعتماد به نفس با هویت دینی دانش‌آموزان با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۷) و ضریب همبستگی ($r= ۰/۱۰$) حداقل در سطح ۹۵ درصد اطمینان همبستگی معنی‌دار نبوده و منفی است. یعنی با افزایش در میزان اعتماد به نفس، هویت دینی دانش‌آموزان ضعیف‌تر شده است. لذا فرض H1 رد می‌شود.

بین میزان اعتماد به نفس با هویت ملی دانش‌آموزان با توجه به سطح معناداری به دست آمده (۰/۰۱) و ضریب همبستگی ($r = -0/14$) حداقل در سطح ۹۵ درصد اطمینان همبستگی معنی‌دار نبوده و منفی است. یعنی با افزایش در میزان اعتماد به نفس، هویت ملی دانش‌آموزان ضعیف‌تر شده است. لذا فرض H1 رد می‌شود.

جدول ۳: تحلیل چند متغیری هویت دینی

model	Un standardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig
	B	Std. Error	Beta		
1 (Constant)	۳۸.۰۷۸	۴.۹۳۹	.۲۲۲	۷.۷۱۰	۰۰۰.
	میزان رضایت از خود	.۶۰۷		.۱۵۹	۳.۸۱۱
2 (Constant)	۳۶.۶۶۵	۵.۴۰۰	.۲۰۰.	۶.۷۸۹	۰۰۰.
	میزان رضایت از خود	.۵۴۶		.۱۸۵.	۲.۹۵۹
مورد تأیید دیگران بودن	.۱۳۹	.۲۱۴	.۴۰۰	۶۵۱.	۵۱۶.
	3 (Constant)	۲۱.۰۸۹	۶.۶۸۷	.۱۶۶.	۳.۱۵۴
میزان رضایت از خود	.۴۵۴	.۱۸۲.	۲.۴۹۶		۰۱۳.
مورد تأیید دیگران بودن	۹-۳۲۶E-۰۲	.۲۱۰.	.۰۲۹.	۴۴۵.	۶۵۷.
توانایی عقلانی کردن امور	.۸۰۹	.۲۱۳.	.۲۲۰.	۳.۷۹۰	۰۰۰.
4 (Constant)	۱۸.۵۴۴	۷.۷۷۳	.۱۶۹.	۲.۳۸۶	۰۱۸.
میزان رضایت از خود	۴۶۲.	.۱۸۳.		۲.۵۳۲	۰۱۲.
مورد تأیید دیگران بودن	۱۰۷.	.۲۱۱.	.۰۳۴.	۵۰۹.	۶۱۱.
توانایی عقلانی کردن امور	۷۵۴.	.۲۳۰.	.۲۰۵.	۳.۲۸۴	۰۰۱.
میزان اعتماد به نفس	.۱۰۲	.۱۵۹.	.۰۴۰.	.۶۴۴	۵۲۰.

بررسی نتایج به دست آمده در جدول بیانگر آن است که متغیرهای مستقل ما در این تحلیل که عبارتند از: میزان رضایت از خود ۰/۱۶، مورد تأیید دیگران بودن ۰/۰۳، توانایی عقلانی کردن امور ۰/۲۰، میزان اعتماد به نفس ۰/۰۴ بر متغیر وابسته هویت دینی تأثیر می‌گذارند، با توجه به درصدهای به دست آمده در میان متغیرهای مستقل، توانایی عقلانی کردن امور بیشترین تأثیر را بر روی هویت دینی می‌گذارد. ترتیب اثرگذاری عبارت است از توانایی عقلانی کردن امور، میزان رضایت از خود، میزان اعتماد به نفس و مورد تأیید دیگران بودن می‌باشد.

جدول ۴: تحلیل چند متغیری هویت ملی

model	Un standardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig
	B	Std. Error	Beta		
1 (Constant)	۲۸.۳۹۰	۲.۶۹۸		۱۰.۵۲۳	۰۰۰.
	میزان رضایت از خود .۵۴۱	.۰۸۷	.۳۶۴	۶.۲۱۲	۰۰۰.
2 (Constant)	۲۶.۰۶۵	۲.۹۱۶		۸.۹۳۸	۰۰۰.
	میزان رضایت از خود ۴۳۱.	۱۰۲.	۲۷۶.	۴.۲۳۲	۰۰۰.
	مورد تأیید دیگران بودن .۲۴۳	.۱۱۹	۱۳۳.	۲.۰۳۵	.۴۳
3 (Constant)	۲۶.۵۲۰	۳.۶۸۳		۷.۲۰۲	۰۰۰.
	میزان رضایت از خود ۴۳۴.	۱۰۳.	۲۷۸.	۴.۲۱۵	۰۰۰.
	مورد تأیید دیگران بودن ۲۴۴.	۱۲۰.	۱۳۴.	۲.۰۴۰	۰۴۲.
	توانایی عقلانی کردن امور -۲.۳۸۵E -۰۲	۱۱۷.	۰۱۲.	-۲.۲۰۳	۸۳۹.
(Constant)	۳۱.۳۵۸	۴.۲۶۲		۷.۳۵۸	۰۰۰.
	میزان رضایت از خود ۴۱۱.	۱۰۳.	۲۶۴.	۴.۰۰۱	۰۰۰.
	مورد تأیید دیگران بودن .۲۲۲	۱۱۹.	۱۲۲.	۱.۸۶۱	۰۶۴.
	توانایی عقلانی کردن امور ۰.۲E ۷.۰۹۲۳	۱۲۶.	۰۳۸.	۶۳۱.	۵۲۹.
میزان اعتماد به نفس -۱.۹۱	۰۸۷.	-۱.۳۲	-۲.۲۱۲	۰۲۸.	

بررسی نتایج به دست آمده در جدول بیانگر آن است که متغیرهای مستقل ما در این تحلیل که عبارتند از: میزان رضایت از خود ۰/۲۶، مورد تأیید دیگران بودن ۰/۱۲، توانایی عقلانی کردن امور ۰/۰۳، و میزان اعتماد به نفس ۰/۱۳- بر متغیر وابسته هویت ملی تأثیر می‌گذارند، با توجه به درصدهای به دست آمده در میان متغیرهای مستقل، میزان رضایت از خود بیشترین تأثیر را بر روی متغیر وابسته هویت ملی می‌گذارد. ترتیب اثرگذاری عبارت است از میزان رضایت از خود، مورد تأیید دیگران بودن، توانایی عقلانی کردن امور و میزان اعتماد به نفس می‌باشد.

جدول ۵: تحلیل چند متغیری هویت خانوادگی

model	Un standardized Coefficients		Standardized Coefficients	t	Sig
	B	Std. Error	Beta		
1 (Constant)	۱۶.۰۱۵	۱.۷۱۱		۹.۳۵۹	۰۰۰.
	میزان رضایت از خود	.۵۴۶	.۰۵۵	.۵۰۸	۹.۹۱۸
2 (Constant)	۱۲.۰۶۴	۱.۷۵۵		۶.۸۷۳	۰۰۰.
	میزان رضایت از خود	۳۷۰.	۶۰.	۳۴۴.	۶.۱۵۳
مورد تأیید دیگران بودن	.۴۰۰	.۰۶۹	۳۲۷.	۵.۸۳۳	۰۰۰.
	3 (Constant)	۸.۱۷۳	۲.۲۳۴		۳.۶۵۸
میزان رضایت از خود	۳۴۸.	۰۶۰.	۳۲۴.	۵.۷۹۷	۰۰۰.
مورد تأیید دیگران بودن	۳۹۳.	۰۶۸.	۳۲۱.	۵.۷۹۰	۰۰۰.
توانایی عقلانی کردن امور	.۱۹۶	۰۷۱.	۱۳۵.	۲.۷۶۵	۰۰۶.
4(Constant)	۹.۰۹۳	۲.۵۸۵		۳.۵۱۸	۰۰۱.
میزان رضایت از خود	۳۴۴.	۰۶۰.	۳۲۰.	۵.۷۰۰	۰۰۰.
مورد تأیید دیگران بودن	۳۸۸.	۰۶۸.	۳۱۷.	۵.۶۹۲	۰۰۰.
توانایی عقلانی کردن امور	۲۱۷.	۰۷۷.	۱۴۹.	۲.۸۲۰	۰۰۵.
میزان اعتماد به نفس	-۳.۷۷۶E-۰۲	۰۵۳.	-.۰۳۷	-.۰۷۱۰	۴۷۸.

بررسی نتایج به دست آمده در جدول بیانگر آن است که متغیرهای مستقل ما در این تحلیل که عبارتند از: میزان رضایت از خود ۰/۳۲، مورد تأیید دیگران بودن ۰/۳۱، توانایی عقلانی کردن امور ۰/۱۴، و میزان اعتماد به نفس ۰/۰۳-، بر متغیر وابسته هویت خانوادگی تأثیر می‌گذارند، با توجه به درصدهای به دست آمده در میان متغیرهای مستقل، میزان رضایت از خود بیشترین تأثیر را بر روی متغیر وابسته هویت خانوادگی می‌گذارد. ترتیب اثرگذاری عبارت است از میزان رضایت از خود، مورد تأیید دیگران بودن، توانایی عقلانی کردن امور، و میزان اعتماد به نفس می‌باشد.

نتیجه‌گیری:

در ادامه سعی شده است که هر یک از متغیرهای مستقل رادر غالب نظریات جامعه‌شناسی و فرضیات تحقیق و نتایج به دست آمده مورد بررسی قرار دهیم.

در تحقیق حاضر به کمک چهار فرضیه سعی شده است میزان رضایت فرد از خود بر شکل‌گیری هویت اجتماعی مورد بررسی قرار دهیم. (نظریات مید و پارسونز در زمینه رضایت از خود) نتایج به دست آمده از فرضیات زیر تأیید کننده نظریات مید و پارسونز در زمینه رضایت از خود می‌باشد.

فرضیه کلان: هر چه میزان رضایت فرد «دانش آموزان» از خود بیشتر باشد هویت اجتماعی قوی‌تری خواهد داشت.

فرضیه‌های خرد:

هرچه میزان رضایت فرد از خود بیشتر باشد هویت دینی قوی‌تری خواهد داشت.

هرچه میزان رضایت فرد از خود بیشتر باشد هویت خانوادگی قوی‌تری خواهد داشت.

هرچه میزان رضایت فرد از خود بیشتر باشد هویت ملی قوی‌تری خواهد داشت.

فرضیات فوق با توجه به ضریب همبستگی پیرسون و سطح معناداری کمتر از ۵٪ مورد تأیید قرار گرفت.

در تحقیق حاضر سعی شده مطابق با نظریات کولی نقش تأیید دیگران را در شکل‌گیری هویت اجتماعی مورد بررسی قرار دهیم. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که کاملاً مبین و تأییدکننده نظریه‌های کولی می‌باشد. چهار فرضیه خرد و کلان در این زمینه مطرح شده است.

فرضیه کلان:

هر چه فرد بیشتر مورد تأیید دیگران باشد هویت اجتماعی او قوی‌تر خواهد بود.

فرضیه‌های خرد:

هر چه فرد بیشتر مورد تأیید دیگران باشد هویت دینی قوی‌تر خواهد شد.

هر چه فرد بیشتر مورد تأیید دیگران باشد هویت خانوادگی قوی‌تر خواهد شد.

هر چه فرد بیشتر مورد تأیید دیگران باشد هویت ملی قوی‌تر خواهد شد.

هر چهار فرضیه با توجه به ضریب همبستگی پیرسون و سطح معناداری کمتر از ۵٪ مورد

تأیید قرار گرفت.

در تحقیق حاضر با توجه به نظریات بلومر، مید و پارسونز سعی شده است که نقش درونی شدن ارزش‌ها در شکل‌گیری هویت اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد. که این امر در قالب ۴ فرضیه خرد و کلان مورد تأیید قرار نگرفت.

فرضیه کلان:

هر چه درونی شدن ارزش‌ها در دانش‌آموزان بیشتر باشد هویت اجتماعی آنها قوی‌تر خواهد بود.

فرضیه‌های خرد:

هرچه درونی شدن ارزش‌ها در دانش‌آموزان بیشتر باشد هویت دینی آنها قوی‌تر خواهد بود.
هرچه درونی شدن ارزش‌ها در دانش‌آموزان بیشتر باشد هویت خانوادگی آنها قوی‌تر خواهد بود.

هرچه درونی شدن ارزش‌ها در دانش‌آموزان بیشتر باشد هویت ملی آنها قوی‌تر خواهد بود.
فرضیات فوق با توجه به ضریب همبستگی پیرسون و سطح معناداری کمتر از ۵٪ مورد تأیید و اثبات قرار نگرفت.

در تحقیق حاضر با توجه به نظریه گیدنز سعی شده است که نقش میزان اعتماد به نفس در شکل‌گیری هویت اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد. که این امر در قالب ۴ فرضیه خرد و کلان مورد تأیید قرار نگرفت.

فرضیه کلان:

بین میزان اعتماد به نفس دانش‌آموزان و هویت اجتماعی آنها رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

فرضیه‌های خرد:

بین میزان اعتماد به نفس دانش‌آموزان و هویت خانوادگی آنها رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

بین میزان اعتماد به نفس دانش‌آموزان و هویت دینی آنها رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

بین میزان اعتماد به نفس دانش‌آموزان و هویت ملی آنها رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

فرضیات فوق با توجه به ضریب همبستگی پیرسون و سطح معناداری کمتر از ۵٪ مورد تأیید و اثبات قرار نگرفت.

در تحقیق حاضر با توجه به نظریه گیدنز سعی شده است که نقش توانایی عقلانی کردن امور در شکل‌گیری هویت اجتماعی مورد بررسی قرار گیرد. که این امر در قالب ۴ فرضیه خرد و کلان مورد تأیید قرار گرفت.

فرضیه کلان: بین توانایی عقلانی کردن امور دانش‌آموزان و هویت اجتماعی آنها رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

فرضیه‌های خرد:

بین توانایی عقلانی کردن امور دانش‌آموزان و هویت خانوادگی آنها رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

بین توانایی عقلانی کردن امور دانش‌آموزان و هویت دینی آنها رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

بین توانایی عقلانی کردن امور دانش‌آموزان و هویت ملی آنها رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

فرضیات فوق با توجه به ضریب همبستگی پیرسون و سطح معناداری کمتر از ۵٪ مورد تأیید و اثبات قرار گرفت.

فهرست منابع:

۱. ادیبی، حسین؛ انصاری، عبدالمعبود، (۱۳۵۸)، **نظریه‌های جامعه‌شناسی**، جامعه، تهران.
۲. اتکینسون، ریتا، ل. اتکینسون، ریچارد، س. هیگارد ارنست، ر، (۱۳۶۷)، **زمینه روانشناسی**، مترجمان: براهنی محمد تقی، بیرشک بهروز، سیف علی اکبر، طریقتی شکر الله، علیایی زند شهین، محی الدین مهدی، محیط احمد، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چاپ دوم.
۳. موس، رالف، (۱۳۵۷)، **نظریه‌های بنیادی در دوره نوجوانی**، ترجمه ژ. آ، صدیقی، جمشید تهرانیان، فرهاد جمهری، تهران مؤسسه مطبوعاتی عطایی، چاپ اول.
۴. بیابانگر، اسماعیل، (۱۳۷۶)، **روانشناسی نوجوان**، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران.
۵. جولیس گوله، ویلیام، ب، (۱۳۷۶)، **فرهنگ علوم اجتماعی**، گروه مترجمان، مازیار، تهران.

۶. زیتلین، ایروینگ ام، (۱۳۸۱)، آینده بنیانگذاران جامعه‌شناس، غلامعباس توسلی، قومس، تهران.
۷. سرایی، حسن، (۱۳۷۲)، مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق، سمت، تهران.
۸. معین، محمد، (۱۳۷۱)، فرهنگ معین، جلد ۴، امیر کبیر، تهران.
۹. بیرو، آلن، (۱۳۷۰)، فرهنگ علوم اجتماعی، باقر ساروخانی، مؤسسه کیهان، تهران.
۱۰. آبراکرامبی و دیگران، (۱۳۶۷)، فرهنگ جامعه‌شناسی، حسن پویان، انتشارات چاپخش، تهران.
۱۱. برگر، پیتزل، توماس لوکمان، (۱۳۷۵)، ساخت اجتماعی واقعیت، فریبرز مجیدی، عملی و فرهنگی، تهران.
۱۲. دهخدا، علی اکبر، (بی‌تا)، لغت نامه دهخدا، جلد ۱۴، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
۱۳. عمید، حسن، (بی‌تا)، فرهنگ عمید، مؤسسه امیر کبیر، تهران.
۱۴. اعطایی، علی، (۱۳۷۸)، بحران هویت قومی در ایران، نشر شادگان، تهران.
۱۵. باستانی، محمد حسین، (۱۳۷۳)، «بحران هویت، مسأله‌ای در ابعاد جهانی»، نامه فرهنگ، سال سوم، شماره ۱، ص ۴۳-۴۱.
۱۶. کوزی، لویس، (۱۳۷۳)، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، انتشارات علمی، چاپ پنجم.
۱۷. ترنر، جان اتان، اچ، (۱۳۷۲)، ساخت نظریه جامعه‌شناسی، ترجمه عبدالعلی لهسایی‌زاده، شیراز، انتشارات نوید شیراز، چاپ اول.
۱۸. روشه، گی، (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز، عبدالحسین نیک گهر، تیان، تهران.

19. Jenkins, R (1996) Social Identity, London: Routledge.

20. Turner, Jonathan H (1998) The Structure of Sociological Theory (Wadsworth)